

## عبرت‌های عاشورا در جمهوری آذربایجان



ازدحام جمعیت در مراسم های عاشورا در نقاط مختلف جمهوری آذربایجان همگی نشان می‌داد که باکو سیاست فرهنگی مذهبی نادرستی را در پیش گرفته است.

به گزارش آران نیوز به نقل از مشرق؛ ازدحام جمعیت در مراسم های عاشورا در نقاط مختلف جمهوری آذربایجان از روستای مرزی ارچیوان شهرستان آستارای در ورودی جنوب شرق این جمهوری گرفته تا مرکز باکو و از باکو گرفته تا گنجه، پایتخت فرهنگی و مذهبی قفقاز و از مینگه چوپر تا قزاق در منتهی الیه شمال غرب جمهوری آذربایجان، همگی نشان می‌داد که باکو سیاست فرهنگی و مذهبی نادرستی را در پیش گرفته است و مسیر حرکتی مردم جمهوری آذربایجان کاملاً برعکس آن چیزی است که دولت این کشور در زمینه مسائل فرهنگی و مذهبی جویای آن است.

تساهل و چند فرهنگ گرایی کلیدواژه های سیاست فرهنگی دولت جمهوری آذربایجان طی سه دهه گذشته بوده است. باکو از این مفاهیم، تعاریف خاص خود را ارائه کرده است. در واقع، تعریفی که سیاست فرهنگی دولت جمهوری آذربایجان از «تساهل و چندفرهنگ گرایی» ارائه می‌دهد، با معنای رایج و مصطلح این مفاهیم تفاوت معناداری دارد. گرچه اغلب، تساهل را به معنای تعصب کور به خرج ندادن در مواجهه با عقاید دیگران و سرکوب نکردن عقیده مخالف می‌دانند و چند فرهنگ گرایی را نیز به معنای پذیرش وجود فرهنگ ها و خرده فرهنگ های مختلف در کنار فرهنگ غالب در جامعه و ضرورت حفظ و نگهداشت آنها می‌دانند، اما آنچه در سیاست فرهنگی دولت جمهوری آذربایجان از «تساهل و چند فرهنگ گرایی» برداشت شده است، معنای دیگری می‌دهد.

در تساهلی که در سیاست فرهنگی باکو تعریف شده است، نه تنها تساهل به معنای صبر و بردباری در مواجهه با عقاید مغایر با عقاید اکثریت مردم این کشور، بلکه به معنای فراهم کردن شرایط و امتیازات ویژه برای صاحبان عقاید مغایر با عقیده اکثریت مردم لحاظ شده است. بخصوص، کلیدواژه تساهل در سیاست فرهنگی جمهوری آذربایجان اغلب در توصیف وضعیت و شرایطی استفاده می‌شود که برای یهودیان در جمهوری آذربایجان فراهم شده است.

در تمامی دیدارهای مقامات جمهوری آذربایجان با رهبران سازمان های یهودی و صهیونیست و فراماسونی بر وجود تساهل در این جمهوری آن هم به معنای اخص آن یعنی برقرار بودن امتیازات ویژه برای یهودیان تاکید می‌شود. بطور مشابهی، معنای اخصی نیز برای «چندفرهنگ گرایی» در سیاست فرهنگی دولت جمهوری آذربایجان تعریف شده است و «چندفرهنگ گرایی» نیز به معنای پذیرش حاکم نبودن فرهنگ و دین و مذهبی خاص بر این کشور تعریف شده است و فرهنگ و دین و مذهب اکثریت مسلمان و شیعه این کشور ظاهراً مساوی و برابر با فرهنگ و دین و مذهب جمعیت های چند هزار نفری یهودیان و مسیحیان و حتی چند صد نفری بهاییان تلقی می‌شود.

به عنوان مثال، در تشریفات رسمی دولت جمهوری آذربایجان برغم اینکه برای «الله شکور پاشازاده»، رئیس اداره مسلمانان قفقاز ظاهراً جایگاه تشریفاتی به عنوان متولی رسمی امور دین در این کشور لحاظ شده است، اما از نظر دولت و رئیس جمهوری آذربایجان، حتی اعتبار و موقعیت رئیس این اداره نیز هیچ تفاوتی با اعتبار و موقعیت رئیس جمعیت یهودیان کوهستانی با حداکثر ۱۵ هزار نفر جمعیت و فرقه ضاله «جامعه بهاییان» با حداکثر هشتصد نفر جمعیت در جمهوری آذربایجان ندارد.

اما، ارائه تعریف خاص از مبانی و پایه های سیاست فرهنگی جمهوری آذربایجان یعنی «تساهل و چندفرهنگ گرایی»، آغاز انحراف و کج راهه و بلکه پرتگاهی است که این سیاست در آن طی طریق می‌کند. در اجرای این سیاست، اجزاء و مصادیقی به چشم می‌خورد که شکاف میان جامعه و دولت جمهوری آذربایجان روز به روز عیان تر، جدی تر و خطرناک تر می‌کند.

در چارچوب «تساهل و چندفرهنگ گرایی» خاص جمهوری آذربایجان، ترویج ابتذال و تهی کردن جامعه از ارزش های اصیل اسلامی و شیعی از اهداف اصلی سیاست فرهنگی حاکم بر این جمهوری است. همه ساله در همین چارچوب هزینه های کلانی برای القاء و حقه افکار و ارزش های مغایر با افکار و ارزش ها و عقاید اسلامی به مردم هزینه می‌شود.

محتوای کتب و مواد درسی مدارس جمهوری آذربایجان نه تنها خالی از هرگونه آموزش دین اسلام به کودکان این کشور است، بلکه مملو از آموزش ها و آموزه های ضد دینی به منظور تربیت جامعه ای لائیک و سکولار است.

شبکه های تلویزیونی و وزارت تحصیل و وزارت فرهنگ و بنیاد حیدرعلی اف به عنوان متولی هدایت فرهنگی جامعه، نه تنها هیچ جایگاهی برای مبانی دین اسلام در برنامه ها و تبلیغات خود قائل نیستند، بلکه تمامی همت خود را مصروف آن کرده اند که گزارش ها، برنامه ها، فیلم ها، سریال ها، تئاتر، اشعار، ترانه ها و کتب و مقالاتی را تولید کنند که مردم جمهوری آذربایجان را از عقاید اسلامی و شیعی شان که «دولت لائیک» آنها را برای مبانی خود مضر می‌داند، دور کنند.

همه ساله دولت جمهوری آذربایجان بخش مهمی از بودجه، وقت و تلاش خود را مصروف برگزاری رقابت های مسابقه موسیقی ابتذالی یوروویژن می‌کند که نه تنها با اصول و ارزش های اسلامی در تضاد است، بلکه حتی برای میراث موسیقی سنتی غیراسلامی برجای مانده از قرون گذشته و از زمان حاکمیت رژیم کمونیستی در جمهوری آذربایجان نیز مضر بوده و آن را نیز در عرصه شبکه های تلویزیونی باکو به حاشیه رانده است.

علاوه بر این، طی سال های اخیر در کنار یوروویژن، برنامه بسیار مبتذل دیگری تحت عنوان «جشنواره موسیقی ژارا» نیز به سایر برنامه های ترویج ابتذال اخلاقی در جمهوری آذربایجان افزوده شده است. برنامه هایی نظیر جشنواره موسیقی قبله، جشنواره تولید شراب آذربایجانی، مسابقات مد و جشنواره های فیلم و تئاتر کشورهای غربی و شرقی با محتواهای به شدت ضد اخلاقی و

تولید «سریال های ملی» با مضامین مستهجن نیز از دیگر اجزای سیاست فرهنگی دولت جمهوری آذربایجان است که در نظر دارد ملتی مطابق با معیارهای خانواده های حاکم بر این کشور را بسازد که هیچ سنخیتی با عقاید اسلامی ندارند. در امور دینی نیز سازمان هایی نظیر کمیته دولتی امور گروه های دینی، اداره مسلمانان قفقاز، بنیاد تبلیغ ارزش های ملی و معنوی ریاست جمهوری، بنیاد دانش و صدها گروه و سازمان ظاهرا غیردولتی و در اصل وابسته به دولت، بسیج شده اند که اسلام اصیل را به عنوان «رادیکالیسم و افراط گرایی دینی» معرفی کنند و آنچه را که این سازمان ها تبلیغ می کنند، به عنوان «اسلام سنتی» مورد پذیرش مردم جمهوری آذربایجان جلوه دهند. چرخ دنده های این سازمان ها به طور دائم در طول سال و به خصوص در آستانه ماه های رمضان و محرم به حرکت در می آیند و به طور مستمر با برگزاری همایش ها و میزگردهای مختلف در سراسر جمهوری آذربایجان تلاش می کنند «چندفرهنگ گرایی» و «تساهل» به معنای اخص مورد پذیرش سیاست فرهنگی باکو را جایگزین «اسلام» و به تعبیر خودشان «عقاید دینی رادیکال» در جمهوری آذربایجان کنند. به رغم تمامی این هزینه ها و تلاش های سرسام آور دولتی، ظاهرا عوامل دیگری موجب شده است که اکثریت مردم جمهوری آذربایجان در مسیری حرکت کنند که کاملا متضاد و برعکس مسیر حرکتی سیاست فرهنگی دولت این کشور است.

طی سال های گذشته، دولت لائیک جمهوری آذربایجان به رغم تاکید بر لائیک بودن خود، دخالت های بی سابقه ای را در امور دینی این کشور در دستور کار خود قرار داده است. اداره مسلمانان قفقاز که در کنار طبقه حاکم برجای مانده از زمان شوروی، تنها موسسه ای است که می توان گفت به طور دست نخورده از رژیم کمونیستی به رژیم «چندفرهنگ گرا و لائیک» کنونی به ارث رسیده است، یکی از مهم ترین ابزارهای حکومت لائیک برای تصرف در امور دینی و مذهبی مردم جمهوری آذربایجان است؛ به گونه ای که حکومت لائیک و کمیته دولتی امور گروه های دینی از طریق این اداره توانسته است تولی گری برخی از مساجد مستقل را نیز تحت هدایت خود درآورد.

به عنوان مثال، طی سال های گذشته اداره مسلمانان قفقاز تلاش گسترده ای را به کار بسته است که هدایت و راهبری دیندارانی را که در مسجد مشهدی داداش در مرکز باکو، مسجد حضرت فاطمه زهرا (ع) در منطقه یئنی گونشلی در حومه باکو، زیارتگاه امام زاده ابراهیم (ع) در شهر گنجه تحت کنترل خود بگیرد و مکان هایی نظیر زیارتگاه بی بی رحیمه (س) در نارداران و مساجد مستقل لنکران را نیز که دولت باکو نتوانست آن تحت هدایت حکومت درآورد، با عملیات پلیسی و نظامی تحت محاصره امنیتی خود نگه دارد.

اما، برگزاری باشکوره آیین های محرم و بخصوص تجمعات عاشورایی در مناطق مختلف جمهوری آذربایجان اثبات کرد که نه سیاست ترویج «تساهل و چندفرهنگ گرایی» و «ابتدال فرهنگی» و نه سیاست های پلیسی و امنیتی و نه تبلیغات رسانه ای هیچ کدام نتوانسته است بخش اعظم جامعه و مردم جمهوری آذربایجان را از مسیر اسلام اصیل به بیراهه «چندفرهنگ گرایی» منحرف سازد.

حتی سیاست های پلیسی و امنیتی دولت باکو در حوزه دینی نتیجه برعکس داده است. به عنوان مثال، گرچه فشارهای دولتی و اعمال نفوذ و فشار از طریق اداره مسلمانان قفقاز و کمیته دولتی امور دینی توانسته است تا حدی محتوای نوحه ها و ذکرهایی که از بلندگوی مسجد مشهدی داداش و زیارتگاه امامزاده ابراهیم گنجه قرائت می شوند، در مضیقه قرار دهد و برخی از نوحه ها سانسور و حذف شوند، اما نوحه ها و مرثیه های عزای حسینی حتی در تجمعات مسجد مشهدی داداش و مسجد حضرت فاطمه (س) و زیارتگاه امامزاده ابراهیم گنجه نیز هنوز از محتوای ظلم ستیزی و کفرستیزی تهی نشده است و هنوز هم نمی تواند مطابق میل دولت لائیک و مستشاران صهیونیستی و فراماسون باشد. اگر قدری به لایه های زیرین در جامعه جمهوری آذربایجان توجه شود، حرکت مردمی در مسیری برعکس لائیسیم و صهیونیسم و ماسونیسم، به طور عیان تری مشاهده خواهد شد. به عنوان مثال، در شرایطی که اداره مسلمانان قفقاز تمامی تلاش خود را برای تحت کنترل و هدایت گرفتن مساجد مستقل به کار بسته است، خود مسجد تازه پیر یعنی مرکز محل استقرار اداره مسلمانان قفقاز در روز عاشورا میزبان دسته ای بود که برخلاف میل متولیان این اداره در کنار عزاداری، نوحه های سیاسی نظیر «ما می میریم و حجابمان را از دست نمی دهیم» و «آیه های قرآن را به باد نمی دهیم»، «کدام گروه چنین مولایی دارد» و «شیعیان، حضرت عباس را دارند»، سر داده بودند و حتی برخی از جوانان حاضر در آن گروه در پاسخ به سوال خبرنگاری که از آنها درباره مشارکت در «پویش اهدای خون» که اداره مسلمانان قفقاز آن را اجرا می کند، پرسید، پاسخ دادند که به متولیان این پویش اعتمادی ندارند و به علت اینکه آنها خون های اهدایی مردم را به فروش می رسانند، در این پویش شرکت نخواهند کرد!

علاوه بر اینها، حضور گسترده مردم در محوطه های باز و حتی حرکت دسته عزاداری در برخی از مناطق، نشان داد که دیگر قوانین غیرمنطقی و فشارهای نامعقول از جمله قانون ممنوعیت برگزاری عزاداری در خارج از مساجد و قانون ممنوعیت حرکت دسته عزاداری در خیابان های جمهوری آذربایجان از این پس نمی تواند جلودار مردمی باشد که می خواهند در ایام محرم و به یاد شهدا و معلمان آزادگی و در تبعیت از مکتب حسینی، بیعت نکردن با یزیدیان را به عیان اعلام کنند.

مصادیق و نمودهای حضور آگاهانه مردم جمهوری آذربایجان در تجمعات پرازدحام مراسم های عاشورایی در روستای ارچیوان آستارا و لنکران و باکو و گنجه و مینگه چوبیر و حضور مظلومانه مردم نارداران در مراسم عاشورا در محوطه بسته زیارتگاه بی بی رحیمه (س) و نوحه خوانی توأم با حسرت روزهای برگزاری باشکوه ترین و بزرگترین تجمع عاشورایی جمهوری آذربایجان و قفقاز در نارداران، همگی حکایت از این دارد که همانطور که تلاش هفتاد ساله کمونیسم برای جدا کردن شیعیان قفقاز از امام حسین (ع) و اسلام اصیل شکست خورد، تمامی تلاش های ضدشیعی صهیونیست ها، وهابیون و شیطان پرستان و در یک کلام

«چندفرهنگ گرایان» نیز در جمهوری آذربایجان شکست خواهد خورد.